

ترکیه، رشد صنعتی به نیابت انحصارات جهانی

فریبرز رئیس دانا

در دوره نخست ماموریت اصلی آماده سازی اجتماعی و اقتصادی ترکیه بود برای پتیرش بخشهای توسعه یابنده سرمایه‌داری جهانی. چیزی مانند برنامه زمان رضاشاه در ایران، در همان زمان. در زمان حاضر، برابر یک طرح منجمده تر ترکیه می‌خواهد به یکی از مناطق اصلی توسعه صنعتی جهانی تبدیل شود که با نیازهای سرمایه‌های بین‌المللی هماهنگی دارن. چیزی مانند برنامه توسعه صنعتی کره در همین زمان.

در دهه هشتاد، وفاداری اقتصادی سیاستمداران ترکیه به راه کمال آتاترک از هر زمان دیگر بیشتر است. تلاش برای عضویت پیوسته در باشگاه سرمایه‌داری اروپایی که تمامی ماموریت پیشوای ترکیه جوان در انحلال عثمانی بود، اینک با کوشش برای عهده‌داری یک کشور تازه صنعتی شده، به موجب تقسیم جدید کار بین المللی، در باشگاه انحصارات جهانی دنبال می‌شود. اما، این دنباله‌روی وفادارانه همان قدر ملت ترک را متختر به دریافت عنوان عضو ملل راقیه می‌کند که آن بنیانگذاری حاکم‌گراانه.

صنایع کلیدی‌تر در آورند و لذا اشکالی نمی‌بینند که صنایعی چون فولاد، کشتی‌سازی، مواد اولیه پتروشیمی و حتی اتوموبیل و از آن قبیل در مناطق تازه صنعتی شده مستقر شوند. البته این تغییر جهت، ورشکستگی‌های بیابنی صنایع کسوناگون جهان صنعتی را کاملاً توجیه‌پذیر نمی‌کند. انتقال تولید به کشورهای تازه صنعتی شده بیشتر برای توسعه تولید است و نه سطح تولید کنونی. اما به هر حال توسعه جهانی سرمایه‌داری از جمله تاوانهایی که باید بپردازد، یکی هم ورشکستگی برخی صنایع داخلی است.

سوم آنکه، شرکتهای فرامیلتی همیشه مایل‌اند، ضمن برخورداری از نیروی کار ارزان، به پس‌اندازهای ملی کشورهای کم توسعه نیز دست یابند. وامها و سرمایه‌های انتقالی به کشورهای کم توسعه، بخش نه چندان عمده‌ای از کل سرمایه‌گذارانه‌های این شرکتهاست؛ بخش دیگر را وامهای بانکی و پس‌اندازها و سرمایه‌های داخلی کشور به اصطلاح میزبان تامین می‌کند. با سیاست کمک به رشد صنعتی کشورهای

این کشورها کاملاً گران به سطوح بالایی از حقوق صنعتی خود دست یافته‌اند. اما اگر در یک کشور کم توسعه زمینه‌های لازم برای سودمندی تولید صنعتی ایجاد شود، آن گاه کارگرفراوان و ارزان در آن کشور جذابیت کافی برای انتقال جریان تولید به آنجا فراهم می‌آورد. این زمینه‌ها مشتمل بر راهها و بنادر و ارتباطات، آموزش حرفه‌ای و قدرت‌یابی سیاسی دولتهای وفادار است. برزیل و کره و ترکیه، هر سه واجد آن شرایطی بوده‌اند که بتوانند تولید صنعتی ارزان را به نیابت از سوی سرمایه‌داری جهانی به داخل خاک خود بکشانند.

دوم آنکه، کشورهای پیشرفته صنعتی اینک در تقسیم جهانی کار ترجیح می‌دهند به سمت کالاهای پیچیده‌تری چون صنایع الکترونیک، زنجیره‌های پیچیده پتروشیمی، هواپیماسازی، دستگاههای مخابراتی و ارتباطی، سلاحهای مدرن و کامپیوتر بروند. امروز دیگر صنایعی که زمانی شکفتی جهان صنعتی را می‌آفریدند، برای آنها مطلوبیتی ندارند. این کشورها ترجیح می‌دهند به

اگر در دوره نخست یک لایه اجتماعی ترقیخواه و ریمیده از فساد و ارتجاع نظام فرتوت عثمانی به پشتیبانی پیشوای ملت آمد، در دوره دوم بخت سازگار، برای یافتن بازارهای صادراتی مددبخش رهبران موادار او آوردن - اوزال - شد. به نظر نمی‌رسد که در غیاب این بخت خوش، ترکیه می‌توانست به اندازه کره و برزیل، در ایجاد یک منطقه صنعتی تازه در مدار سرمایه‌داری جهانی، توفیق یابد.

ایجاد مناطق تازه صنعتی، عبارت از کمک به رشد سریع صنعتی چند کشور کم توسعه است، که بیشترین مقدار از هدفهای توسعه اجتماعی و سطح زندگی مادی را برای این منظور فدا می‌کند. با این روش، کشورهایی زیر برنامه به تولیدکننده‌ها و صادرکننده‌های مهم کالاهای صنعتی در جهان تبدیل می‌شوند. انتقال بار مسئولیت تولید جهانی بر اساس روندهای زیر صورت می‌پذیرد:

اول آنکه، در دو - سه دهه اخیر تولید بسیاری از کالاهای صنعتی در کشورهای پیشرفته بسیار گران تمام می‌شود. زیرا در

تازه صنعتی شده، شرکت‌های فراملیتی امکان دستیابی به پس‌اندازها و سرمایه‌های محلی را پیدا می‌کنند. با استفاده از فنون تولیدی، این سرمایه‌ها در مسیر تولید و مسلط بر بازارهای جهانی در خدمت سرمایه مسلط، یعنی سرمایه شرکت‌های بین‌المللی قرار می‌گیرند.

به هر تقدیر از ویژگی‌های اقتصادی کشورهای تازه صنعتی شده به سبب موجود، صرفاً رشد صادرات صنعتی یا رشد درآمد ملی نیست. این رشد‌ها فریبنده‌اند اما نمی‌توانند و حاکم اوضاع را در بسیاری از صحنه‌های دیگر از نظر پنهان نگه دارند. ویژگی‌های دیگر عبارت‌اند از بدهکار شدن شدید کشور به خارج، افزایش شدید واردات، تورم توأم با بیکاری‌های گوناگون،

امروز دیگر صنایعی که زمانی شگفتی جهان صنعتی را می‌آفریدند، برای آنها مطلوب نیست. ترجیح می‌دهند به صنایع کلیدی تر روی آورند.

فشار کار و محرومیت در شکلی تازه، توسعه درجه بی‌عدالتی اجتماعی و سرکوب سیاسی سازمان یافته. در عین حال، حیثیت رشد سریع صنعتی و رسیدن به عرصه بازار جهانی، معمولاً برای اقتصاددانان رقابتی نو آن قدر بسنده است که کمتر جایی برای تحلیل‌های ساختاری و جایگاه مفهوم توسعه واقعی در بررسی اقتصادی ترکیه باقی می‌گذارد.

اینکه اقتصاددانان رقابتی توجه کسانی هستند، با بحث درباره نمونه ترکیه مشخص می‌شود. خوب است ابتدا به یاد بیاوریم که طرح توسعه صنعتی کشورهای نمونه از مدت‌ها پیش در کشورهایی چون ترکیه، کره، برزیل، ایران، مکزیک، تایوان و هنگ‌کنگ شکل گرفته بود. هر یک از این کشورها استعدادهای خاصی داشتند، ولو آنکه گاهی عبارت بود از گذراندن یک دوره تجربه صنعتی شدن در صنایع مصرفی در زیر مهتر سیاست‌های دفاعی و حمایتی از شرکت‌های جهانی و بومی - و البته همین اداره قهارانه سیاسی و نظامی کشور. کره و برزیل از این گونه‌اند. در این میان تقریباً اسرائیل قدیمی‌تر است. رشد صنعتی در آنجا متوجه صنایع نظامی بود و تا مغز استخوان متکی به سرمایه‌های آمریکایی-صهیونیستی. از طرف دیگر ایران در برنامه‌های رشد صنعتی خود نه توانست به هدف‌های مرحله‌ای لازم دست بیابد و نه اینکه توانست تاوان بار ناموزونی انفجار آمیز اجتماعی - اقتصادی

درونی را بپردازد. این ناموزونی را با یک نگرش اجتماعی می‌توان به رشدیابی لایه‌های غیر مولد و انگلی، از حیث ثروت در مقابل رشدیابی اقتدار تادار و نیروهای زبیده از حصارهای سنتی که دائماً عقب می‌مانند، تعبیر کرد. بدین سان بر اساس یک سیاست پیشگیرانه در مقابل تندشدن جنبش اجتماعی ایران و به دنبال جهت‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی داخلی، این کشور دیگر محیط مناسبی برای قبول سهم در تقسیم جدید کار بین‌المللی و رشد صنعتی مورد بحث نبود. سه کشور آزمون شده در سیاست اقتصادی تازه صنعتی به ترتیب کره و برزیل و ترکیه هستند. اما بحث پیرامون ترکیه، خود یک تله می‌تواند خیلی از جنبه‌های مورد نظر را روشن کند.

در فاصله ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵، صادرات ترکیه از ۲۹۱۰ میلیون دلار به ۷۹۵۰ میلیون دلار اما واردات از ۴۵۰۶ میلیون دلار به ۱۰۳۳۱۶ میلیون دلار افزایش یافته است.

در ترکیه، کودتا یک راه حل پذیرفته شده در مقابل بحران‌های سیاسی و اقتصادی است. ارتش مدتی در کمن و به نظاره می‌نشیند. به محض آنکه سیاستمداران از اندازه امور عاجز می‌مانند یا ناتوانی اقتصادی راه به سوی متشکل کردن نارضایتی‌ها می‌برد، پنجه آهنین، پیکره‌های اصلی جامعه را درهم می‌فشارد. ارتش در همه جا این مهارت و تجربه و تحرک را ندارد. مشکل‌بندی سیاسی در کشورهای غربی از تجارب و رویه‌های سیاسی بسیار مایه می‌گیرند. در ۱۹۸۰ کودتا به رهبری کنعان اوزن صورت گرفت زیرا بحران‌های سیاسی از یک سو و راه‌های طرح تازه رشد صنعتی می‌بستند از سوی دیگر آن را به دوی عوامل آزادی‌خواه و مردم‌گرا و ضد امپریالیستی می‌گشودند. تقریباً سه سال طول کشید تا ارتش بتواند مجال اجرای برنامه‌های اقتصاد کاملاً آزاد و متکی به رقابت سرمایه‌های جهانی و داخلی را بیابد. آن‌گاه تورگوت اوزال به میدان آمد. معمولاً سیاستمداران خاورمیانه، نزدیکان خود را برای مهمترین کاری که باید با خاطر جمعی صورت بپذیرد به کار می‌گمارند. اما آقای اوزال برادرش، یوسف راه، در رأس امری قرار داد که باید صورت بپذیرد: دفتر برنامه‌ریزی دولتی.

سیاست آزاد سازی اقتصادی به معنای هر روز بیشتر آزاد گذاشتن دست سرمایه‌های بومی و بین‌المللی بوده است. در فاصله آغاز نخست‌وزیری اوزال در اواخر ۱۹۸۳

تا به امروز سوسیتهای دولتی کاهش یافته و حتا به صفر رسیده‌اند. شمار این است: اشکالی ندارد مردم نادار و بیکار گران بخرند. بگذار گران سود را زیاد کند و سرمایه‌گذاری و تولید را بالا ببرد. آن‌گاه کالا زیاد می‌شود و ارزانی خواهد آمد. گویا می‌خواهد بگوید «بز کجا نمیرد بهاز می‌آید». البته این گونه بهارها را که خلیصا وعده‌اش را داده‌اند، هیچ قاعده فصلی نیست. در ترکیه حاضر بیمه‌های اجتماعی به دشواری رشد می‌کنند و حتا مورد حمایت قرار نمی‌گیرند. دستمزدها کاملاً در بازار آزاد تعیین می‌شوند. این در حالی است که در جریان دفاع از آزادی سرمایه‌گذاری، در سال ۱۹۸۵ بیش از ۳ میلیون بیکار در ترکیه وجود داشت. بیکاری نمی‌گذارد دستمزدها بالا بروند، اما تورم لقمه لقمه سهم کارگران را می‌بلعد. در حالی که سالانه در حدود ۲۰ درصد بیکاری در میان ۳۰ میلیون جمعیت فعال ترکیه وجود دارد، سطح متوسط قیمت‌ها در سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ به ترتیب ۳۵ درصد، ۵۰ درصد، ۲۵ درصد و احتمالاً باز ۲۵ درصد بالا رفته است. کارگران اقتصادی از اینکه در مقایسه با افزایش قیمت در سالهای اخیر افزایش قیمت در سال ۱۹۸۰ برابر ۱۰۸ درصد بوده است به خود می‌بالند. اما از بیکاری و گرانی که به هر حال زیاد می‌شود بیعی به خود راه نمی‌دهند.

کارگران ترکیه، دهقانان تهی دست و اقتدار نامرغه شهری، به ویژه در مناطق تازه رشد یافته استانبول، که ۵۰ درصد تولید صنعتی را به گونه‌های ناموزون در خود جای داده است، سخت در فشار و نارضایتی هستند. حکومت نظامی اوزن هنوز پابرجاست و دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی هر حرکتی را با پنجه آهنین پاسخ می‌دهند.

صادرات ترکیه، این هدف اصلی توسعه صنعتی، از ۲۹۱۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به ۷۹۴۴ میلیون دلار در سال ۱۹۸۴ و ۷۹۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۵ افزایش یافت. اما در کنار این افزایش دو وجه قابل توجه دیگر نیز وجود دارد: اول آنکه واردات یا به پای صادرات افزایش یافته و همیشه هم از آن بیشتر بوده است. در سایه سیاست آزادی اقتصادی و آزادی تجارت بین‌المللی واردات ترکیه بیشتر عبارت است از انتقال تجهیزات و مواد اولیه به داخل کشور تا در آنجا به کالاهای صنعتی تبدیل و سپس صادر شود. به این ترتیب سیاست واردات که جزئی از سیاست صنعتی کردن و تقسیم جدید بین‌المللی کار است دو هدف را تعقیب می‌کند: فروش کالاهای انحصارات بین‌المللی و تأمین مواد اولیه و تجهیزات برای تولید کالاهای بعدی به قیمت ارزاتر.

اما سیاست وارداتی معمولاً - و در ترکیه قطعاً - به خراب شدن وضع تجارت خارجی انجامیده است. معنای این خرابی این است که کشور تازه صنعتی شده هر چه صادراتش زیادت می‌شود و ارزش بیشتری به دست می‌آورد مجبور است وارداتش را زیادت کند و ارزش بیشتری از دست بدهد، به طوری که فاصله این دو، سال به سال بیشتر می‌شود. واردات ترکیه از حدود ۴۵۰۶ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به ۱۰۷۵۷ میلیون دلار در سال ۱۹۸۴ و ۱۰۳۳۱ میلیون دلار در سال ۱۹۸۵ رسید. اگر رقمهای واردات را با صادرات بسنجید می‌بینید که رشد صنعتی ترکیه - مانند دو کشور نمونه دیگر یعنی

۳۰٪ در حالی که سالانه در حدود ۲۰٪ درصد بیکاری در میان ۳۰ میلیون جمعیت فعال ترکیه وجود دارد، سطح متوسط قیمتها در سالهای ۸۳ تا ۸۶ بین ۲۵ تا ۵۰ درصد بالا رفته است.

کره و برزیل - هنوز پیونده محکمی با منابع انحصارات دارد. آن هم به این صورت: برای اینکه بتوانی هر چه بیشتر صادر کنی باید هر چه بیشتر هم از من بخری. اما دوم - در سال ۱۹۸۶ وضعیت تجارت خارجی ترکیه به طور ناگهانی خرابتر شده است. تکیه کردن ترکیه بر شناسه‌های موقتی موجب این وضعیت شده درست است که به علت کاهش بهای نفت، ترکیه توانست ۱۵۰۰ میلیون دلار در وارداتش صرفه‌جویی کند. اما همین کاهش بهای نفت، خریداران خاورمیانه‌ای ترکیه را کم پول کرد و آنها هم نتوانستند به اندازه سالهای قبل کالا از ترکیه بخرند. صادرات به خاورمیانه از ۲۵۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۵ به ۱۸۰۰ میلیون در سال ۱۹۸۶ کاهش یافت. از جمله صادرات به ایران و عراق نیز در هر یک در حدود ۴۰ درصد کاهش یافت.

سیاست رشد صنعتی به‌شماره کشورهای تازه صنعتی شده کشور را شدیداً بدهکار می‌کند زیرا سرمایه برای اهداف جاه‌طلبانه انحصارها از آسمان نمی‌بارد. به‌جز سرمایه‌های بزرگ داخلی و خارجی که هرگز کفایت نمی‌دهد یا باید پس‌اندازهای مردم در اختیار صاحبان صنایع جهانی قرار گیرد یا باید از خارج قرض گرفت؛ و همیشه هر دو باهم اتفاق می‌افتد.

اینک برزیل چیزی در حدود ۱۱۰ میلیارد دلار و کره در حدود ۴۰ میلیارد و ترکیه در حدود ۳۳ میلیارد دلار بدهی دارند. محاسبات اخیر نشان می‌دهند که هر شهروند

جهان سوم در حدود ۵۰۰ دلار بدهی خارجی دارد. بدهی هر شهروند ترک کمی از این حد متوسط بالاتر است. بدهیهای کشوری مانند ترکیه این چنین فشار بار زندگی و غفلت از توسعهٔ بیانی را به مردم تحمیل می‌کند. هر سال چیزی در حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد از درآمد صادراتی به امر بازپرداخت اصل و بهره بدهیها اختصاص می‌یابد. این یعنی رقمی در حدود ۳۳۰۰ میلیون دلار. معنای دقیقتر آن این است که مردم عادی ترکیه باید بار سیاستهای توسعهٔ صادرات را چند جانبه تحمل کنند: بیکاری و پایین بودن دستمزد به نحوی که کالای ساخت ترکیه بتواند ارزاقتر به بازار جهانی عرضه شود؛ محرومیت و گرانی داخلی به علت قدرت مالی اقشار بالایی جامعه؛ و بالاخره بازپرداخت بدهیها در حالی که سودها به خارج می‌روند و دردی از محرومیتهای اجتماعی و اقتصادی دوا نمی‌کنند. در این میان، دولت ترکیه برای تأمین هزینه، که شامل سهم عظیمی از هزینه‌های نظامی است - که خود به دلیل الزامات تحمیل شده ناتو بر کردهٔ ترکیه افتاده است - به مالیاتها و کسر بودجه متوسل می‌شود. سال گذشته مالیاتها بیش از ۷۰ درصد افزایش یافتند. هر چند مالیاتهایی چون مالیات ارزش افزوده و مالیات بر درآمد به نازکی به کار رفته یا زیاد شده‌اند اما پار مالیاتی را بیشتر مردم غدی به دوش می‌کشند، زیرا در غیر این صورت مجموعهٔ سیاستهای دفاع از واردات و سرمایه‌گذاری آزاد لطمه می‌بیند. کسری بودجه که در حدود ۱۲-۱۰ درصد هزینه‌های دولتی را تشکیل می‌دهد، رو به افزایش می‌رود. به نظر برخی از کارشناسان اقتصاد ترکیه، این کسری به معنای مخارج دولتی برای مقاصد نظامی است و برای ایجاد شرایطی که با سیاست سودآوری سرمایه‌ها مطابق باشد. اما به نظر بسیاری از کارشناسان همین کسری بودجه عامل گرانی شدید و موجب افت سطح زندگی اقشار وسیعی از مردم به نفع اقشار محدود صاحب ثروت شده است.

با این همه، حکومت تورگوت اوزال به خود می‌بالد که دارای نوآوریهای اقتصادی است که به موجب آن صادرات ترکیه فزونی گرفته و رشد صنعتی بالا می‌رود. اوزال الگوی خود را نمونه‌ای برای جهان سوم می‌داند و گاه‌گاه ارقام صادرات صنعتی و نرخ رشد درآمد ملی را به رخ می‌کشد. اما از نتیجهٔ واقعی سیاست اقتصادی خود چیزی نمی‌گوید. سیاستی که به آن وسیله انحصارات بین‌المللی به راحتی می‌توانند از مرزهای گمرکی عبور کنند و تجهیزات و مواد اولیه خود را به داخل کشور آورند و به برکت انبوه کارگران ارزان، کالاهای

ارزان تولید کنند و در بازارهای منطقه، به رغم کیفیت نامرغوبشان آب کنند.

به هر حال این سیاست در کشورهای دیگر هر چقدر هم به خودی خود توفیق داشته باشد، در ترکیه سیاستی است که بی‌وجود فرصت طلایی فروش کالا به ایران و عراق فرصت خودنمایی زیادی برای نخست وزیر دورهٔ رشد باقی نمی‌گذارد. بی‌تردید سیاست اقتصادی جاری ترکیه هر چه هست، هرگز نوآورانه نیست و نتیجهٔ آن حتا کمتر نازکی دارد. ناموزنی فزاینده‌ای که ترکیه را فرامی‌گیرد، به طور مشخص از نواحی پیشرفته صنعتی سرچشمه گرفته و با عبور

ایجاد مناطق تازه صنعتی، عبارت از کمک به رشد سریع صنعتی چند کشور کم توسعه است که بیشترین مقدار از هدفهای توسعهٔ اجتماعی و سطح زندگی مادی را برای این منظور فدا می‌کند.

از بغاز دارانل بار خود را به صورت گرانی و بیکاری و عقب ماندگی نسبی بیشتر، بر سر اقتصاد منطقه خالی می‌کند. اگر رشد صنعتی این بهای اجتماعی و مادی داخلی و خارجی را نمی‌پرداخت آن گاه جا داشت که نوآورانه تلقی شود. یافته‌های صنعتی به صورت متراکم شدن تاسیسات پیشرفته تر در خاک ترکیه به جای خود، اما هیچ بررسی اقتصادی که همزمان داده‌ها را با ستاده‌ها و با ضابطه‌های پیشرفت تاریخی و واقعی نسجند کامل نیست.

جا دارد که بحث را با بازگشتن به نگرش اقتصاددانان رقابتی نو به اقتصاد ترکیه به پایان ببریم. دستاوردهای رشد صادرات صنعتی این کشور، برای آنان ارج زیادی دارد. آنان بس صبورانه در انتظار سرایت آثار نیکوی چنین رشدی بر زندگی همهٔ مردم می‌نشینند. این است گمان آنان: برای تمدن و پیشرفت باید بهای کلانی پرداخت و زمان درازی در انتظار نشست. به آسانی نمی‌توان به آلمان و ژاپن و آمریکا تبدیل شد. پیشرفتهای صنعتی قرن نوزدهم اروپا نشان داد که کارگران ارزان و اقتصاد دستمزد، همراه با انباشت سرمایه و ثروت، مایه‌های رستگاری را نشان می‌دهند. در حالی که صنایع نساجی در دوره‌های آغازین انقلاب صنعتی در انگلستان از انباشت وسیع سود برخوردار بود دستمزدها از ۳۳ شیلینگ در سال ۱۷۹۵ به ۵۰ شیلینگ در ۱۸۳۵ رسید. چه کسی است که داستانهای چارلز دیکنز را خوانده باشد و

پوزش

در صفحات اقتصادی شماره ۱۱ آدینه در صفحات ۵۰ و ۵۱ اشتباهی رخ داده است که باعث به هم ریختگی معنا و مفهوم مطلب در چند بند شده است.

بدین وسیله با پوزش خواهی، خواهشمند است مطلب اقتصادی شماره گذشته را به شیوه زیر اصلاح فرمایند

جدول ۲ به روشنی آن دسته از مالیاتها را که باید اهداف سه گانه غیراخباری فوق را برمی آوردند، مشخص می کنند. آن مالیاتهایی که در ۶ سال اخیر از حیث مقدار جثتی گرده اند همان جور که مالیاتی هستند که عبارتند از: مالیات بر واردات، مالیات بر مصرف و فروش و مالیات بر شرکتها و غیر دولتی. اما هیچ اندازه ای از بار مالیاتی در واقع جدول نمایش اقتصادی نمی پردازند. گروهی از مردم در رهگذر تغییر سیاست مالیاتی جور گروهی دیگر را می کشند. البته مهم است که چه کسی این تقدیر را رقم می زند؛ اما اینک شناختن قول بیابان اهمیت بیشتری دارد. نشان دادن ارقام داخل جدول چیزی جز فکر از یک بدیده به هر حال بدیده آمده نیست. اگر نتواند تأثیرات اجتماعی و اقتصادی بلافاصله و جثتی و جثتی را باز شناسد، مالیاتهای یاد شده را به شیوه زیر باز می شکافی:

مالیات بر واردات در واقع بیشتر مالیات بر کالاهای مصرفی است. سیاست این است که از وابستگی هر چه بیشتر به کالاهای مصرفی خارجی (البته به نفع کالا، های سرمایه های و تا حدی واسطه های) کاسته شود. این سیاست خوب است یا بد، به نقد حاصل آن هم گران شدن کالاهای مصرفی است و هم کمیاب شدن آنها.

مالیات بر مصرف و فروش - گران کردن مستقیم کالا است از یک ناحیه متمرکز. معمولاً این نوع مالیاتها، بدواً کالاهایی مانند سیگار و الکل را هدف می گیرند تا در کار گران شدنشان موعظه ای عملی در طرفشان نیز وجود داشته باشد. معمولاً هیچ کس هم به این سوال جواب نمی دهد که اگر بازداشتن مردم از مصرف آنها است، پس مهم فرایند درآمدهای دولت را از آن محل چگونه می توان توجیه کرد؟ در ایران اسلامی مسأله مالیات بر الکل نوشیدنی وجود ندارد. اما مالیات بر فروش سیگار درم صدای را تشکیل می دهد؛ در حدود ۲۲۹ میلیارد ریال درآمد دولت از محل مالیات بر سیگار خواهد بود. این، یعنی در حدود ۹٪ درآمدهای شناخته شده دولت در سال ۱۳۶۶. خشکاندن این منبع مالیاتی، به رغم شدت آزادی بهداشتی، بیش از اندازه خسارت آمیز به نظر می رسد.

پیوند باشند، آن گاه کجا خواهند بود آن کشورهایی که باید با خریدن کالاهای مورد نیاز خود از کشورهای تازه صنعتی شده و با قرار گرفتن در جایگاه «وابستگی به مباشران صنعتی» ارزشهای مادیشان را دو دستی تقدیم کنند؟ اگر راه درست به همان ترتیب باشد که گفته شد آن گاه دنیا انبوهی از عهده داران وظایف بین المللی رده پایین یا بهتر بگویم بازنده ها را کسر می آورد. به هر حال بسیاری از اقتصاد دانان متمایل به راه رشد ترکیه و کره و برزیل ابایی ندارند که ادعا کنند فقر گسترده و عقب ماندگی جهانی در مقابل جزایر مصنوعی خوشبختی هم لازم است و هم ناشی از نادانی و تبلی شاید ذاتی مردم آن سامان که خود را نجات نداده اند.

دیدگاه دیگری در میان صاحبان نظریه های اقتصادی فوق وجود دارد دایر بر اینکه امکان رسیدن به مقام عضویت مستقل در باشگاه کشورهای صنعتی جهان، مانند نمونه ژاپن، کاملاً به تدریج و پس از طی مراحل لازم رشد اقتصادی وجود دارد. آن گاه در این مقام، مسائل فرعی مانند حقوق مردم نگران کننده نیست و خود به خود حل خواهد شد. این نتیجه از حیث نظری و تجربی تا چه حد درست است به کنار، وضعیت ترکیه کاملاً قابل سوال است. آیا این دومین قدرت نظامی ناتو، با سالها تلاش برای اثبات حجت و برتری نظامی ملت ترک، و برای فرو رفتن در جامعه اروپا به هر قیمت، خواهد توانست به کاری در حد برزیل دست بزند. برزیل با اینکه شاه شکار نخچیر گاه آمریکای لاتین برای ایالات متحد است، به هنگام پر زدن مودبانه اما تند دست انحصارات کامپیوتری قدرت نمایایی از خود نشان داد. این کشور در یک دو سال اخیر زمره پس ثادان بدهیهای خود را دارد که بزرگترین بدهی کشورهای جهان سوم در طول تاریخ است. رویه های سیاسی می تواند تا حدی مستقل و مقابله گرا نه عمل کند. گاهی کار آن قدر بالا می گیرد که چیزی مثل اوپک سنگ بزرگ جلوی پای جناحی از سرمایه داری جهانی باشد. گاهی کشوری مثل برزیل که اینک در بازار کامپیوتر جهانی برای خود مقامی درخورد دارد می تواند به انحصارات بگوید: دست و پایتان را جمع کنید. چه سختی می توان باور کرد که نظامیان و سیاستمداران سنتی ترکیه از اندیشه غرور از کف رفته امپراتوری دست بردارند. آنان مشکل بتوانند صورشان از رشد اقتصادی را از غرور یک ترکیه قوی اروپایی شده و مطرح شده در سطح انحصارات جهانی جدا کنند و به توسعه همگانی مردم، که نمونه ای باشد در منطقه، پیوند دهند.

نداند که قحطی و گرسنگی و بی سرپناهی چه بر سر انبوه کارگران و روستاییان مهاجر انگلستان می آورد. اما بالاخره ترقی و سعادت راه خود را باز کرد. راه رستگاری را مصایب بشری هموار می کند. اما رستگارترین راهها را امروز با شیوه ای تازه سرمایه ها و تکنولوژیهای فراملیتی پیشرفته جهانی نشان می دهند. حتا فجایع و تصفیه ها و گشتارها و فشارهای ضد مردمی عصر استالین نمونه ای است از لزوم پرداختتبهایی سنگین اجتماعی برای رسیدن به حیثیت صنعتی - اگر نه برای دنیای زیباتر توسعه صنعتی سرمایه داری آزاد.

ترکها به علت کاهش بهای نفت توانستند ۱۵۰۰ میلیون دلار در واردات صرفه جویی کنند، اما همین کاهش بهای نفت، خریداران خاور میانه ای ترکیه را کم پول کرد و آنها نتوانستند به اندازه سالهای قبل، از این کشور کالا بخرند.

از زمان آدام اسمیت این یادگار در تحلیلهای اقتصادی متعارف باقی مانده است که جامعه چیزی نیست جز یک بازار و عرصه رقابت و حتا رقابت کشنده. انگیزه به حد اکثر رسانیدن منافع فردی و محدودیت امکانات، رقابت را برای تنازع بقا گریز ناپذیر می کند. اگر هر کس منافع خود را به حداکثر برساند، منافع جامعه را به حد اکثر رسانیده است. امروز اقتصاددان رقابتی نو در تئوری توسعه اقتصادی جهانی، هر کشور را به مثابه یک فرد می بیند و جهان را یک بازار بزرگ. لذا هر کشور باید در میدان رقابت خودش را به جلو بیندازد. قاپیدن بازارها از دست یکدیگر و ادغام هر چه بیشتر با سرمایه های جهانی، به هر بهایی قابل توجیه است. رقابتی های نو بر بد که ندیدن ترکیه در جلوی دوندگان بازار جهانی یا در راس زورمندان رده دوم موسوم، نشان از یاس و بدبینی دارد یا خوش خیالی به راههای موسوم به برابری، رشد موزون و توسعه همه جانبه. باری در این نحو فکریش قضا و خیلی مسائلهای دیگر، مردم ترکیه مورد توجه نیستند، ارقام رشد صادراتی اهمیت دارند.

کشورهایی چون کره و ترکیه و برزیل که توانسته اند در میدان رقابت بقیه را عقب بگذارند لابد راههای پیشرفت و رستگاری را نیز نشان می دهند؛ راههایی چون چسبیدن به انحصارات و نادیده گرفتن سهم نیروهای اجتماعی داخلی. اما واقعا سوال این است که اگر این راهها در همه جای جهان قابل